



« به نام خدا »

« رستگاری »

تهیه و تنظیم : غزاله صالحی

قافیه

قافیه

تو را دانش و دین رهاند **درست** در رستگاری **بایدت** **جُست** (۲ جمله)

<u>دانش و دین</u>	<u>تو را</u>	<u>درست</u>	<u>رهاند</u>
گروه نهاد	مفعول	قید چگونگی	فعل

<u>جُستن</u>	<u>در رستگاری</u>	<u>برای تو</u>	<u>باید</u>
گروه نهادی		متمم	فعل

معنی : دین و دانش تو را به درستی نجات می دهد و جستجوی راه رستگاری و نجات برای تو ضروری است .

آرایه : تلمیح (اشاره) به حدیث حضرت علی (ع) که فرمودند:
« علم و دین دو بال است که مؤمن با آنها پرواز می کند. »

چو خواهی که یابی ز هر بد رها سر اندر نیاری به دام بلا (۳ جمله)

چو (تو) خواهی / (تو) از هر بد رهایی یابی / (تو) به دام بلا سر اندر نیاری
حرف شرط فعل خاص حرف اضافه گروه متمم فعل خاص حرف اضافه گروه متمم عبارت فعلی

چه چیزی را خواهی؟

گروه مفعول

آرایه : ۱- تشبیه دام بلا : بلا مانند دام وجه شبه : گرفتار کردن

مشبه مشبه به

۲- کنایه از دام بلا سر درآوردن : وارد شدن



نکوکار گردی بر کردگار (۲ جمله)

بوی در دو گیتی ز بد رستگار

(چو خواهی) (تو) در دو گیتی از بد رستگار بوی (باشی) ،

نهاد پنهان گروه متمم متمم مسند فعل اسنادی

(تو) بر کردگار نکوکار گردی (شوی) ،

نهاد پنهان گروه قید مسند فعل اسنادی

معنی : اگر می خواهی که در دو جهان (دنیا و آخرت) از بدی نجات پیدا کنی و نزد

پروردگار از نیکوکاران باشی

*این بیت از نظر خوانش و معنی به بیت قبل و بعد وابسته است (موقوف المعانی) یعنی باید با هم خوانده و معنی شوند.

به گفتار پیغمبرت راه جوی

دل از تیرگی ها بدین آب شوی (۲ جمله)

(تو) به گفتار پیغمبر راهت را بجوی / (تو) دل از تیرگی ها به این آب بشوی
نهاد پنهان گروه متمم مفعول فعل خاص / نهاد پنهان مفعول فعل خاص
مفعول متمم گروه متمم فعل خاص

معنی : راهت را با عمل به سخنان پیامبرت جستجو کن و دلت را از تیرگی گناهان با این سخنان که مانند آب پاک است بشوی

آرایه : تشبیه

گفتار پیغمبر مانند آب است که دل را از تیرگی ها پاک می کند

مشبه مشبه به وجه شبه

جناس بین جوی و شوی

اگر چشم داری به دیگر سرای

به نزد نبی و وصی گیر جای (۲ جمله)

<u>اگر</u>	<u>(تو)</u>	<u>به</u>	<u>(تو)</u>	<u>چشم داری</u>	<u>سرای دیگر</u>	<u>به</u>	<u>اگر</u>
حرف	نهاد	حرف	نهاد	فعل خاص	گروه متمم	حرف	حرف
شرط	پنهان	اضافه	پنهان			اضافه	شرط

معنی:

اگر به جهان آخرت امید داری، با عمل به سخنان پیامبر(ص) و جانشین و وصی او، در کنار آنها و در راه آنها قرار بگیر

سرای: الف) خانه (ب) دنیا: «دیگر سرای: دنیای دیگر، جهان آخرت»

۱- آرایه کنایه:

«چشم داشتن» کنایه از «امید داشتن»

«نزد کسی جای گرفتن» کنایه از «در مسیر و در راه او قرار گرفتن»

۲- آرایه تلمیح(اشاره): به آیاتی که سعادت را در اطاعت از پیامبر(ص) و جانشین او می دانند با عبارت «هُمُ الْمُفْلِحُونَ»



بر این زادم و هم براین بگذرم

چنان دان که خاک پی حیدرم (۴ جمله)

<u>(من)</u>	<u>بر</u>	<u>این</u>	<u>زادم</u>	<u>و</u>	<u>(من)</u>	<u>هم</u>	<u>بر</u>	<u>این</u>	<u>بگذرم</u>
نهاد	حرف	متمم	فعل خاص		نهاد	قید	حرف	متمم	فعل خاص
پنهان	اضافه				پنهان		اضافه		

<u>(تو)</u>	<u>چنان</u>	<u>دان</u>	<u>/</u>	<u>که</u>	<u>(من)</u>	<u>خاک پی حیدر</u>	<u>هستم</u>
نهاد	قید کیفیت	فعل امر		حرف ربط	نهاد	گروه مسند	فعل اسنادی
پنهان					پنهان		

چه چیزی را دان ؟

گروه مفعول

معنی: با این عقیده به دنیا آمدم (اشاره به بیت بالا که اطاعت از پیامبر(ص) و جانشینش را، راه امیدواری به عاقبت خیر در آخرت می داند) خواهم مُرد. بدان که من دوست دار و پیرو حیدر(حضرت علی (ع)) هستم

آرایه:

«خاک پای کسی بودن» کنایه از «دوستدار و پیرو او بودن»

تضاد: زادم ≠ بگذرم

حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی

شاعر بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری بود.

اثر ماندگار حماسی او « شاهنامه » یعنی کتاب بزرگ است که در

طول سی سال در قالب مثنوی سروده است .

شاهنامه را بر اساس محتوا به سه بخش تقسیم می کنند :

۱- تاریخی

۲- حماسی و پهلوانی

۳- اسطوره ای

* اسطوره : پاسخ ذهنی انسان ها به سؤال هایی که جواب آن را به درستی نمی دانند مثلاً

اینکه چرا از کوه، آتش و دود و خاکستر بیرون می زند ؟ حتماً ازدهایی درون آن زندگی

می کند

لغات :

رستگاری : نجات ، رهایی

گیتی : جهان

بِر : نزد ، پیش

سرای : ۱- خانه ۲- دنیا

نبی : پیامبر

وصی : جانشین ، وصیت شده

حیدر : نام حضرت علی (ع)

زادم (زاده شده ام) : متولد شده ام

بگذرم : بمیرم

پی : پا

هخ : نبوت - انبیا

هخ : وصیت - وَصَايَا - اوصیا (ج وصی)



